

تحلیل الگوی رفتاری دخالت‌های ایالات متحده در ایران (متغیرها، تأثیرات و راهکارها)

سید حمزه صفوی^۱، محمدرضا محمدی^۲، علیرضا ثمودی^۳

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۸

چکیده

نگرش تاریخی به رخداد‌های پس از جنگ جهانی دوم، ردپای «مداخله» به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم سیاست خارجی ایالات متحده را به خوبی نشان می‌دهد. واشنگتن با گذار از دوران انزوای سیاسی تا پایان جنگ جهانی اول در عرصه بین‌المللی حضور جدی پیدا نکرد و سیاست خارجی آن بیشتر به حوزه آمریکای مرکزی و جنوبی معطوف بود؛ اما شالوده حضور ایالات متحده و حذف و تضعیف دیگر رقبای در عرصه بین‌المللی در همین زمان بنا نهاده شد. تا قبل از فروپاشی شوروی، این دخالت‌ها بیشتر کشورهای بلوک شرق را هدف گرفته بود؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی متوجه ج.ا.ایران شد. پس از پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، افزایش هزینه تقابل مستقیم نظامی با ایران، راهبردهای مقابله‌جویانه آمریکا را با گسست روبه‌رو کرد و روند دخالت‌های ایالات متحده در ایران با روش‌های تازه‌ای ادامه یافت. هدف پژوهش حاضر، شناسایی اصلی‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در الگوی مداخله آمریکا و متحدان آن علیه امنیت داخلی ج.ا.ایران است. در این راستا پس از بررسی مفهومی مداخله، با استفاده از آرای نخبگانی به شناسایی، وزندهی و تحلیل کمی و کیفی اصلی‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در روند دخالت‌های ایالات متحده در ایران در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی، فناوری و فرهنگی پرداخته شد. در نهایت با ترسیم مدل دخالت ایالات متحده، راهکارهایی برای مقابله با این مداخلات ارائه گردید. بر اساس یافته‌های پژوهش، اصلی‌ترین ابزارهای نوین دخالت ایالات متحده در ج.ا.ایران عبارت از: جنگ ترکیبی، تخریب سرمایه اجتماعی، سناریوسازی، دروغ‌پردازی، کشته‌سازی، ائتلاف‌سازی و اجماع‌سازی هستند.

واژگان کلیدی: مداخله، جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده، الگو، متحدان، امنیت داخلی.

۱. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

رایانامه: hamzehsafavi@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و الهیات، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

رایانامه: mohammadrezamohammadi13681989@gmail.com

۳. عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات راهبردی، تهران، ایران. رایانامه: alirezamoudi@gmail.com



۱. مقدمه

ایالات متحده «مداخله نظامی» را ابزاری مؤثر در حوزه سیاست خارجی می‌داند. این کشور پس از جنگ جهانی دوم بارها از این ابزار استفاده کرده است؛ نمونه‌های اولیه آن را می‌توان در سیاست‌های «وودرا ویلسون»^۱ مشاهده کرد (چوی و جیمز،^۲ ۲۰۱۴: ۹۰۰). «فرید زکریا»^۳ نوع خاصی از مداخله آمریکا را میل شدید «جرج بوش» به اشاعه دموکراسی ویلسونیسیم همراه با کینه‌توزی می‌دانست (واکر،^۴ ۲۰۰۹: ۲۳۶). ایران، پیش از انقلاب اسلامی، متحد راهبردی جبهه غرب در منطقه محسوب می‌شد. در چارچوب ترتیبات امنیت منطقه‌ای همچون «ستو»^۵ و «سیستم دوستونی»^۶ نیز ایران رکن اساسی و ستون حفظ امنیت در منطقه در مقابله با جبهه کمونیسم به‌شمار می‌رفت.

اهمیت جایگاه ایران برای مقابله با کمونیسم در سیاست خارجی آمریکا به حدی بود که روابط این کشور با دیگر کشورهای منطقه همچون ترکیه، پاکستان و شیخ‌نشین‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس را تحت‌الشعاع قرار داده بود؛ با پیروزی انقلاب اسلامی ایران نه تنها این روابط متوقف شد، بلکه خصومتی عمیق بر روابط دو کشور حاکم گردید (مشیرزاده و جعفری، ۱۳۹۱: ۴۹). این خصومت عمیق بارها در اقدامات و بحران‌های مختلف از سوی آمریکا علیه ج.ا.ایران و برعکس به منصفه ظهور رسیده است. موضوعی که در چند دهه گذشته تا به امروز چالش‌های امنیتی جدی و گسترده‌ای را برای ج.ا.ایران ایجاد کرده است. با استقرار حکومت ج.ا.ایران، تحریم اقتصادی یک‌جانبه به حربه اصلی آمریکا جهت اعمال فشار بر دولت نوپای ایران بدل شد. پس از تصرف سفارت آمریکا در تهران و طی سال‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، آمریکا تحریم‌های متعددی در مورد ایران به اجرا گذاشت. با پایان یافتن جنگ، آمریکا به‌منظور اخلال در توسعه اقتصادی ایران بر مداخلات خود افزود و تحریم‌های جدیدی برقرار کرد. تصویب بودجه ۲۰ میلیون دلاری برای بی‌ثبات‌سازی

1. Thomas Woodrow Wilson

2. Choi & James

3. Fareed Rafiq Zakaria

4. Walker

5. CENTO

6. Two Pillars Strategy

اوضاع ج.ا.ایران و تصویب قانونی برای مجازات شرکای اقتصادی ایران موسوم به قانون «داماتو-کندی» در سال ۱۹۹۶م. (کنگره آمریکا، ۱۹۹۶) ازجمله آخرین اقدامات آمریکا در این زمینه است. به عبارتی دیگر، آمریکا در طول چهار دهه گذشته به عنوان قدرت هژمونیک جهانی همواره کوشیده با تکیه بر توان خود در عرصه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، نظم مطلوب منطقه‌ای را در خاورمیانه برای خود و متحدان منطقه‌ای خود پی‌ریزی کند؛ اما اساسی‌ترین مانع و محدودیت در این مسیر، ج.ا.ایران و چالش‌های ناشی از آن برای آمریکا بوده است. ج.ا.ایران با توجه به اصول انقلاب اسلامی، بر استقلال همه‌جانبه خود و شکل‌گیری نظم مطلوب بر پایه آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی در سطح خاورمیانه و جهان اسلام تأکید دارد.

به همان دلیل که امکان تقابل مستقیم نظامی با شوروی ممکن نبود و آمریکا به این خاطر به مقابله با این کشور در حوزه‌های خاکستری (کشورهایی که رسماً به هیچ‌یک از بلوک‌های شرقی و غربی گرایش نداشتند) معطوف شد، در شرایط جدید نیز به دلیل هزینه بالای مقابله مستقیم نظامی با ج.ا.ایران، به روش مقابله و مهار به‌خصوص از درون ج.ا.ایران معطوف شده است. مسئله اصلی پژوهش حاضر، شناسایی اصلی‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در الگوی مداخله آمریکا و متحدان آن علیه امنیت داخلی ج.ا.ایران است. مشکل و مسئله‌ای که در ارتباط با موضوع پژوهش وجود دارد، فقدان یک الگو مشخص پیرامون مداخله آمریکا علیه ایران است؛ این‌که آیا اقدامات گسترده، متنوع و پراکنده آمریکا و متحدان آن علیه ج.ا.ایران را می‌توان در قالب یک الگو سامان داد. در این راستا، استحصال الگویی معتبر و برخوردار از روایی و پایایی مطلوب در کنار اعتبارسنجی نظری آن دغدغه اصلی نویسندگان است.

۲. مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

۲-۱. پیشینه تحقیق

«مداخله» و «مداخله بشردوستانه»، ازجمله مفاهیم بسیار مهم روابط بین‌الملل هستند که نه تنها نظریه‌پردازان این حوزه، بلکه اندیشمندانی همچون «کانت»^۱، «هگل»^۲، «کُبدن» و... نیز دیدگاه خاصی نسبت به این حوزه دارند.

1. Kant

2. Hegel

پس از پایان جنگ جهانی دوم، ایالات متحده به‌عنوان قدرت هژمونیک جهانی همواره کوشیده است با تکیه بر توان خود در عرصه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، نظم مطلوب خود را در نقاط مختلف جهان برقرار کند. این امر گاهی با ورود مستقیم نظامی و گاهی با دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم در مسائل کشورهای مختلف دنبال می‌شود. آثار پژوهشی متعددی حول مفهوم مداخله ایالات متحده در کشورهای جهان به رشته تحریر درآمده است؛ برخی از مهم‌ترین آن‌ها که به موضوع پژوهش حاضر نزدیک هستند، در قالب جدول‌های زیر ارائه شده است.

جدول شماره ۱. پیشینه تحقیق (مقالات)			
ردیف	عنوان	محقق	مکان
۱	قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا با تأکید بر پدیده فرهنگ	یزدانی و شیخون	تهران
۲	روند شکل‌گیری سیاست خارجی مداخله‌جویانه در آمریکا	امجد	تهران
۳	مداخله انگلستان و آمریکا برای براندازی نهضت ملی ایران (تیر و مردادماه سال ۱۳۳۲)	کاشانی	تهران
۴	بررسی نرم‌افزارگرایی سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران از منظر پدافند غیرعامل	نظری و دیگران	تهران
۵	مداخله آمریکا در امور ج.ا.ایران و اقامه دعوای ایران در دیوان داوری ایران و آمریکا	ممتاز و رنجبریان	تهران
۶	راهبرد قدرت نرم آمریکا در مقابل ج.ا.ایران	خداوردی و رحمتی	تهران
۷	دکترین عملیاتی مداخله	ویلیام لیند	واشنگتن
۸	رابطه دانش و قدرت در جنگ سرد؛ بررسی تجربه شبکه‌سازی روشنفکران توسط آمریکا	ایزدی و شاد	تهران
۹	شبکه‌های اجتماعی مجازی و استراتژی فضای اندیشه آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران	امینی و علمداری	تهران
۱۰	مقایسه تحلیلی راهبرد نظامی آمریکا در دوران ترامپ و بایدن در رابطه با جمهوری اسلامی ایران	ضرغامی و ایزدی	تهران

۱۱	استراتژی چهار دهه تقابل آمریکا با جمهوری اسلامی ایران	احمدی‌نژاد و ذوالفقاری	تهران
----	---	---------------------------	-------

جدول شماره ۲. پیشینه تحقیق (کتاب‌ها)			
ردیف	عنوان کتاب	محقق	مکان
۱	جنگ نرم و وضعیت کنونی ما	مرکز پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی	تهران
۲	جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران (روش‌ها، ابزارها و راهکارها)	بصری	تهران
۳	دکترین عملیاتی مداخله	ویلیام لیند	واشنگتن
۴	ایران در نگرش اتاق‌های فکر آمریکایی	متقی	تهران
۵	آمریکا در برابر ایران	متقی	تهران

جدول شماره ۳. پیشینه تحقیق (پایان‌نامه)			
ردیف	عنوان پایان‌نامه	محقق	مکان
۱	مداخله‌گری‌های آمریکا در خیزش‌ها یا انقلاب‌های ۲۰۱۱ خاورمیانه و سناریوهای دخالت آمریکا در سوریه	خسروی، رضانام و نامور	کرج
۲	سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه، تداوم رئالیسم تهاجمی	احمدی، کریمی‌پور و کامیار	قم

پژوهش‌های ذکرشده از این جهت که مداخله را یک موضوع مهم در سیستم بین‌الملل می‌دانند، حائز اهمیت هستند؛ زیرا مداخله، امنیت داخلی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در یک بررسی کلی، مهم‌ترین نقاط اشتراک و افتراق این پژوهش‌ها در جدول (۴) نمایش داده شده است.

جدول شماره ۴. نقاط اشتراک و افتراق آثار بررسی‌شده	
نقاط اشتراک	نقاط افتراق
همه آثار بررسی‌شده در سطح تحلیل و تبیین مانده، و به سطح ارائه الگو یا تئوری نرسیده‌اند.	بررسی مداخله با رویکردهای مختلف
ارائه راهکار در خصوص موضوع	روش تحقیق

هرکدام از آثار بررسی شده موضوع مداخله را در ارتباط با کشوری خاص بررسی کرده‌اند.	پرداختن به چالش‌های ناشی از مداخله آمریکا علیه امنیت داخلی کشورها
برخی از پژوهش‌ها مداخله را به مداخله نظامی و برخی نیز مداخله را به مداخله نرم محدود کرده‌اند.	تمرکز موضوعی در خصوص مداخله
مؤلفه‌های مداخله از نظر نویسندگان مختلف متفاوت بوده است.	نگاه کاربردی به موضوع مداخله بر امنیت داخلی کشورها
ابعاد مداخله نیز از نظر آنان متفاوت بوده است.	بررسی موضوع در دوره‌های زمانی مختلف
از نظر نقطه آماج نیز برخی هدف مداخله را تغییر رفتار و برخی تغییر حکومت عنوان کرده‌اند.	اینکه در یک سده گذشته آمریکا بیشترین مداخله را علیه امنیت داخلی سایر کشورها داشته است.

آثار بررسی شده هرکدام موضوع مداخله را از چارچوبی خاص مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند؛ برخی بر ابزارهای سخت به عنوان مبنایی برای مداخله‌گری دولت‌های مهاجم تأکید کردند، برخی نیز بر ابزارهای نرم. در نهایت آنچه در میان آن‌ها مخرج مشترک است، اهمیت مداخله آمریکا علیه امنیت داخلی حکومت‌ها است.

آمریکا برای مداخله خارجی علیه امنیت داخلی سایر کشورها از ابزارهای متعددی مانند: براندازی، کودتا، مانور نظامی، پیمان‌های امنیتی، کمک مالی به گروه‌های مخالف دولت‌های موردنظر در مناطق مختلف مانند آمریکای لاتین و خاورمیانه، بهره‌گیری از نهادهای بین‌المللی، حمله نظامی، اتحاد و ائتلاف بهره می‌گیرد. با وجود این، این پژوهش‌ها در زمینه ارائه الگویی در باب مداخله علیه امنیت داخلی با خلأ روبه‌رو هستند.

۲-۲. مبانی نظری

مداخله یک پدیده جدید در روابط بین‌الملل نیست بلکه یک واقعیت فراگیر در تاریخ مدرن سیاست جهانی است؛ در دوره جنگ سرد نیز توسط دو ابرقدرت مورد استفاده قرار می‌گرفت. ماهیت، فراوانی و شیوه‌های مداخله تا حد زیادی به ویژگی‌های نظام بین‌الملل بستگی دارد. نظام‌های بین‌المللی انقلابی و معتدل هر دو می‌توانند موجب ایجاد مداخله گردند؛ اما نقش مداخله در هر یک از دو نظام با یکدیگر متفاوت است. زمانی که نظام دچار تغییرات اساسی

می‌شود، نقش مداخله در امور جهانی نیز تغییر می‌کند. این واقعیت که مداخله در سیاست خارجی آمریکا پس از پایان جنگ سرد جایگاه محوری‌تری پیدا کرده است، در ماهیت و میزان تغییر در نظام جهانی ریشه دارد (هیر^۱، ۱۹۹۴: ۱). ادبیات موجود درباره سیاست خارجی و مداخله می‌تواند چند حوزه مطالعاتی را دربرگیرد و چند رهیافت مختلف را به تصویر بکشد.

تحلیل رفتار دخالت‌های ایالات متحده در ج.ا.ایران نیازمند بررسی دقیق ساختارهای نظری متنوعی است که نظریه‌های رئالیسم^۲، هژمونی^۳ و لیبرالیسم^۴ را شامل می‌شود. با کمک این چارچوب‌های نظری می‌توانیم ضمن شناسایی، تحلیل منطق و الگوهای مختلف دخالت‌های ایالات متحده در ج.ا.ایران، پیامدهای آن را در عرصه بین‌الملل مورد بررسی قرار دهیم.

۱-۲-۲. نظریه رئالیسم

نظریه رئالیسم به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین نظریه‌ها در روابط بین‌الملل بر اهمیت منافع ملی و قدرت دولتی تأکید دارد. رئالیست‌ها معتقدند که دولت‌ها درصدد حفظ امنیت و بقای خود هستند؛ در این راستا هرگونه اقدامی که به حفظ قدرت آن‌ها کمک کند، یک استراتژی مشروع تلقی می‌شود (میرشایمر^۵، ۲۰۰۱: ۲۱). در مورد دخالت‌های ایالات متحده در ایران نیز رئالیست‌ها به این نکته اشاره می‌کنند که ایالات متحده به دنبال کنترل بر منابع انرژی و جلوگیری از نفوذ قدرت‌های رقیب به‌ویژه شوروی در این منطقه است؛ دخالت ایالات متحده در سال ۱۹۵۳ م. برای سرنگونی دولت محمد مصدق یک نمونه بارز از بکارگیری این استراتژی است. این اقدام نه‌تنها جهت حفظ منافع نفتی ایالات متحده، بلکه به‌منظور جلوگیری از گسترش کمونیسم در خاورمیانه انجام شد (گاسیوروفسکی^۶، ۱۹۹۱: ۳۳۵).

1. Hehir

2. Realism

3. Hegemony

4. Liberalism

5. Mearsheimer

6. Gasiorowski

نظریه رئالیسم به تحولات پس از انقلاب اسلامی ج.ا.ایران نیز پرداخته است؛ این نظریه بیان می‌کند که چگونه این تحولات به‌عنوان یک چالش جدی برای منافع ایالات متحده در منطقه به‌شمار می‌رود. در این زمینه، رئالیست‌ها بر اهمیت استراتژی‌های نظامی و دیپلماتیک ایالات متحده برای جلوگیری از گسترش نفوذ ج.ا.ایران تأکید می‌کنند (کراتهامر^۱، ۱۹۹۰: ۱۶).

۲-۲-۲. نظریه لیبرالیسم

نظریه لیبرالیسم بر اهمیت نهادهای بین‌المللی و همکاری‌های چندجانبه تأکید دارد. لیبرالیست‌ها معتقدند که دولت‌ها می‌توانند از طریق تعاملات دیپلماتیک و اقتصادی به‌جای درگیری‌های نظامی منافع خود را تأمین کنند (کیهان و نای^۲، ۲۰۰۱: ۷). استفاده از تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان یک استراتژی لیبرالی جهت اعمال فشار بر ج.ا.ایران به‌منظور تغییر رفتار هسته‌ای این کشور، از نمونه‌های بارز این رویکرد است (پاپ^۳، ۱۹۹۷: ۹۲).

لیبرالیسم همچنین به تأثیر نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل^۴ و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۵ در شکل‌گیری سیاست‌های ایالات متحده نسبت به ج.ا.ایران اشاره می‌کند. به‌عنوان نمونه، تلاش‌های ایالات متحده برای ایجاد ائتلاف‌های بین‌المللی علیه برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران، نشان‌دهنده این است که چگونه نهادهای بین‌المللی می‌توانند بر سیاست‌های یک کشور تأثیر بگذارند و راه‌حل‌های دیپلماتیک را ارتقا دهند (ساگان^۶، ۱۹۹۶: ۶۶).

دموکراسی‌های لیبرال با وجود برخورداری از آمادگی نظامی و تسلیحاتی کافی هیچ‌گاه موجب ایجاد ناامنی برای سایر دموکراسی‌ها نمی‌شوند؛ در مواقعی هم که با یکدیگر دچار اختلاف‌های عمیق می‌شوند، در کنار هم به همزیستی مسالمت‌آمیز ادامه می‌دهند (کالینز، ۱۴۰۰: ۶۷).

1. Krauthammer

2. Keohane & Nye

3. Pape

4. United Nations

5. International Atomic Energy Agency (IAEA)

6. Sagan

۳-۲-۲. نظریه هژمونی

نظریه هژمونی به تحلیل نقش ایالات متحده به عنوان یک قدرت هژمونیک در خاورمیانه می‌پردازد. بر اساس این نظریه ایالات متحده با هدف حفظ هژمونی خود در این منطقه از دخالت‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی استفاده کرده است. دخالت نظامی در افغانستان و عراق به عنوان بخشی از استراتژی ایالات متحده برای حفظ کنترل بر منطقه و جلوگیری از گسترش نفوذ ج.ا.ایران و دیگر قدرت‌های منطقه‌ای مطرح می‌شود (فوکویاما^۱، ۲۰۰۶: ۱۲۰). طبق نظریه هژمونی، ایالات متحده تلاش کرده تا با استفاده از قدرت نظامی و اقتصادی خود، ساختارهای سیاسی و اجتماعی کشورهای خاورمیانه را تغییر دهد. این استراتژی نه تنها در صدد حفظ منافع ایالات متحده در این منطقه است، بلکه در پی ایجاد یک نظم جدید سیاسی و اقتصادی است که بتواند به ثبات و امنیت منطقه کمک کند (گرامشی^۲، ۱۹۷۱: ۵۲). سیاست‌های ایالات متحده در مورد برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران و فشار به متحدان برای همراهی با این سیاست‌ها، بخشی از تلاش ایالات متحده برای حفظ هژمونی خود در خاورمیانه تلقی می‌شود.

ادبیات نظری درباره مداخله عمدتاً به موارد ستیزه‌های داخلی و جلوگیری از بروز ستیزه می‌پردازد. نظریه درباره دلایل بروز ستیزه داخلی دربرگیرنده شرایط و تنگناهای امنیتی مختلف است؛ تنگنای امنیتی نیز زمانی رخ می‌دهد که تلاش برای افزایش امنیت در یک دولت موجب افزایش ناامنی در کشور دیگری شود.

۳. روش‌شناسی تحقیق

رویکرد تحقیق، آمیخته-اکتشافی است. اکتشافی از این حیث که این پژوهش در مراحل اولیه، در صدد شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مدل مداخله آمریکا در امنیت داخلی ج.ا.ایران است. همچنین به دلیل ماهیت موضوع، و از آنجایی که روش‌های تحقیق کمی و کیفی به تنهایی توان مطالعه، تحلیل و بررسی مطلوب را ندارند، از رویکرد آمیخته (ترکیبی از روش‌های تحقیق کمی و کیفی) استفاده خواهد شد.

در بخش کیفی جهت گردآوری اطلاعات از دو روش مصاحبه نخبگانی و کتابخانه‌ای بهره گرفته شد. بر اساس مرور نظام‌مند منابع، ابعاد، مؤلفه‌ها، زیرمؤلفه‌ها با ارتباط معنایی مرتب می‌شود. راهکارهای مقابله با مداخله نیز در ادامه مشخص خواهد شد.

از نخبگان حوزه امنیت داخلی درخواست شد درباره ترتیب و توالی متغیرها، مدل پیشنهادی و اصلی‌ترین پیشران‌های مؤثر در الگوی مداخله ایالات متحده در ج.ا.ایران، نظر دهند. سپس در چندین مرحله تحلیل و بازبینی داده‌های ارائه‌شده، الگو مداخله آمریکا و متحدان آن در امنیت داخلی ج.ا.ایران با توجه به اهم عناصر، مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها طراحی شد. جهت افزایش سطح روایی و پایایی مصاحبه‌ها در طی چندین مرتبه سؤالات طراحی، بازنگری و با توجه به نظر خبرگان، تأیید نهایی شدند.

در قسمت روش کمی از طریق پیمایش خبرگی و تهیه پرسش‌نامه برای اعتبارسنجی، تعیین اهمیت و اولویت‌بندی هریک از ابعاد و مؤلفه‌های مداخله آمریکا و متحدان آن در امنیت داخلی ج.ا.ایران جهت نهایی کردن مدل تحقیق اقدام شد. در این راستا از آزمون «فریدمن» استفاده گردید.

به‌طور خلاصه بر اساس روش آمیخته در این پژوهش، ابتدا با مرور نظام‌مند منابع و بررسی اسناد، متون و منابع موجود برای تولید ادبیات نظری و احصاء ابعاد و مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های الگوی مداخله آمریکا اقدام گردید. سپس با مصاحبه از خبرگان با روش تحلیل محتوا، الگوی مداخله آمریکا و متحدان آن در امنیت داخلی ج.ا.ایران طراحی شده است. در ادامه نیز برای اعتبارسنجی، تعیین اهمیت و اولویت‌بندی از پیمایش خبرگانی و پرسش‌نامه بهره گرفته شد. در انتها نیز راهکارهایی برای مقابله با مداخله آمریکا و متحدان آن در امنیت داخلی ج.ا.ایران ارائه گردید.

۱-۳. جامعه آماری و حجم آن

جامعه آماری پژوهش حاضر به دو دسته تقسیم می‌گردد:

(۱) جامعه اسنادی

کتاب‌ها، مقالات، تحقیقات معتبر در دسترس، مدارک و اسناد مرتبط با موضوع تحقیق جامعه اسنادی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. در زمینه حجم نمونه اسناد نیز به صورت تمام‌شمار تمام اسناد قابل دسترسی بررسی خواهد شد.

۲) جامعه خبرگی

جامعه خبرگانی این پژوهش را ۵۲ نفر از صاحب‌نظران دانشگاهی و اجرایی تشکیل می‌دهند. ویژگی‌های جامعه خبرگانی پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

- ❖ خبرگان دانشگاهی مرتبط با حوزه مطالعات بین‌الملل، مطالعات آمریکا و امنیت داخلی؛
- ❖ دارا بودن مدرک دکتری و کارشناسی ارشد در رشته‌های مرتبط مانند علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، مطالعات منطقه‌ای و علوم اطلاعاتی؛
- ❖ خبرگان اجرایی شامل کارشناسان مرتبط با امنیت داخلی در شورای عالی امنیت ملی، شورای امنیت کشور، وزارت کشور، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی ج.ا.ایران، دانشگاه عالی دفاع ملی و

جهت تکمیل جامعه نخبگانی پژوهش از روش گلوله برفی استفاده شده است. در پژوهش کیفی، نمونه‌برداری بر پایه ابعاد زیادی صورت می‌گیرد، این ابعاد شامل افراد، موقعیت‌های زمانی و مکانی، پیشامدها، فرایندها و فعالیت‌ها است. نمونه‌برداری هدف‌دار یا هدفمند به همین منظور به کار می‌رود. در این پژوهش از افرادی که با موضوع و هدف پژوهش مرتبط هستند، نمونه‌برداری صورت می‌گیرد.

در زمینه حجم نمونه خبرگی، به دلیل محدود بودن نخبگان مرتبط با موضوع مداخله آمریکا و متحدان آن در امنیت داخلی ج.ا.ایران، نمونه‌گیری با تعقیب رویکرد تمام‌شمار از شورای عالی امنیت ملی، شورای امنیت کشور، معاونت اطلاعات و امنیت ستاد کل نیروهای مسلح، سازمان اطلاعات سپاه پاسداران، پلیس اطلاعات و امنیت نیروی انتظامی ج.ا.ایران و ... انجام خواهد شد. حجم نمونه‌گیری از طریق فرمول «کوکران»^۱ محاسبه شد.

برای گردآوری اطلاعات از روش‌های کتابخانه‌ای (اسنادی) و میدانی بهره گرفته شد. در روش کتابخانه‌ای، گردآوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری با انجام مطالعات موردنیاز از

طریق کتابخانه‌های تخصصی و عمومی، سایت‌های اینترنتی و با مراجعه به مجموعه بیانات حضرت امام خمینی^(ره) و منویات مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی)، اسناد و مدارک، کتاب‌ها، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها، طرح‌های پژوهشی، مطالعات گروهی، یافته‌های همایش‌های مرتبط با موضوع، فیش‌برداری و به‌صورت مرور نظام‌مند منابع تحلیل خواهد شد.

در روش میدانی نیز با مراجعه به خبرگان، اطلاعات موردنیاز به شیوه‌های زیر جمع‌آوری می‌شود:

(۱) مصاحبه: گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه امکان برقراری ارتباط مستقیم و زنده با خبره را فراهم ساخته و به وسیله آن می‌توان به ارزیابی عمیق‌تر ادراک‌ها، نگرش‌ها و علایق خبرگان پی برد. در این تحقیق برای احصاء و ارزیابی ابعاد، مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های مدل تحقیق و تأیید مدل مفهومی با ۲۰ نفر خبره در این زمینه، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد.

(۲) پرسش‌نامه: تنظیم پرسش‌نامه و ارائه به خبرگان، یکی از رایج‌ترین روش‌های گردآوری داده‌ها است. در این تحقیق پرسش‌نامه بر اساس ابعاد، مؤلفه و زیرمؤلفه‌ها در اختیار خبرگان قرار گرفت.

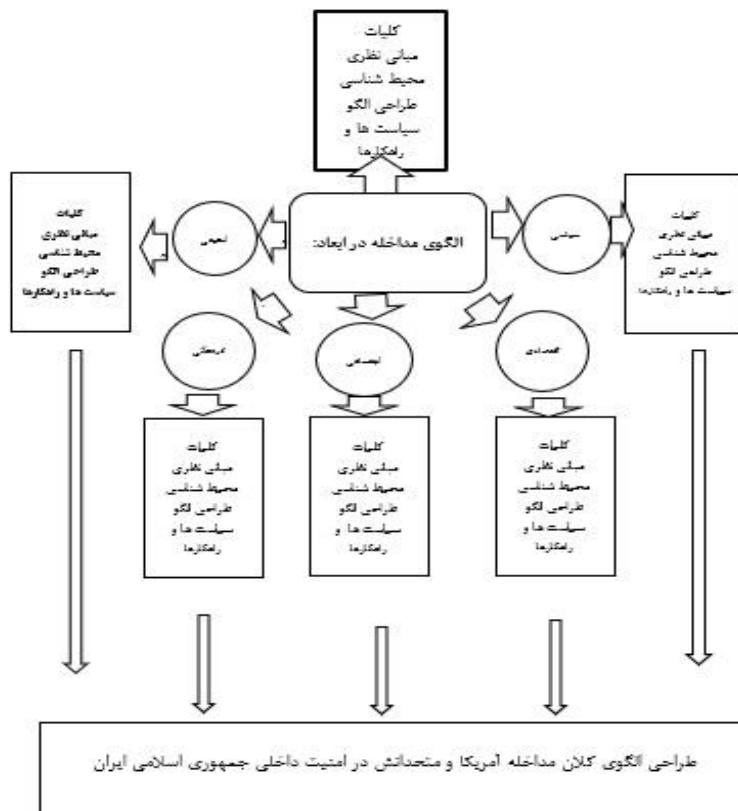
ابزارهای گردآوری اطلاعات در این پژوهش عبارت‌اند از: فیش‌برداری، مصاحبه و پرسش‌نامه. این ابزارها در چند مرحله و با روش‌ها و تکنیک‌های متفاوت مورد استفاده قرار گرفتند.

در مرحله اکتشاف به منظور بررسی الگوی مداخله آمریکا و متحدان آن در امنیت داخلی ج.ا.ایران از روش اسنادی و کتابخانه‌ای و جستجوی اینترنتی و مرور نظام‌مند منابع و ابزار فیش‌برداری استفاده شد.

در مرحله جمع‌آوری نظرات خبرگان از ابزارهای پرسش‌نامه و مصاحبه استفاده گردید؛ در این مرحله از تکنیک‌های آمار توصیفی مانند «فراوانی - درصد فراوانی - فراوانی تجمعی» و آمار استنباطی ناپارامتریک مانند آزمون فریدمن و معادلات ساختاری و نرم‌افزارهای Excel و Spss و Mic Mac جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات بهره‌برداری شد.

پرسش‌نامه نیز بر پایه پرسش‌های زیر از نخبگان تنظیم گردید:

- ۱) با توجه به تجارب شخصی و مطالعه در حوزه امنیت داخلی، متغیرهای تأثیرگذار بر الگوی مداخله آمریکا و متحدان آن در امنیت داخلی ج.ا.ایران کدام‌اند؟
- ۲) هر یک از این متغیرها در ساخت الگوی مداخله آمریکا و متحدان آن در امنیت داخلی ج.ا.ایران به چه میزان اهمیت دارند؟



شکل شماره ۱. فرایند و روش اجرای تحقیق

جهت بررسی روایی کیفی، پرسش‌نامه در اختیار هشت نفر از خبرگان حوزه مطالعات امنیت داخلی قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد نظرات خود را در خصوص پرسش‌نامه و خصوصیات ظاهری آن بیان نمایند. پس از انجام سه مرحله اصلاح، نسبت به تدوین و طراحی ابزار موردنظر اقدام شد. به‌منظور تعیین روایی محتوایی از خبرگان خواسته شد که با

توجه به هدف پژوهش (طراحی الگوی مداخله آمریکا در امنیت داخلی ج.ا.ایران) پرسش‌نامه را بر پایه متغیرهای «مرتبط بودن»، «واضح بودن» و «ساده بودن» ارزیابی و اظهارنظر کنند. در رابطه با هرکدام از این معیارهای سه‌گانه «طیف لیکرت»^۱ چهار قسمتی تشکیل شد. سرانجام، پرسش‌نامه بر پایه متغیرهای نامبرده در قالب شکل (۱) در اختیار جامعه آماری نخبگانی پژوهش قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد مطابق آن پرسش‌نامه را مورد ارزیابی قرار دهند.

۴. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. یافته‌های تحقیق

۴-۱-۱. آمریکا، مداخله و انقلاب اسلامی ایران

بررسی مداخلات ایالات متحده در ج.ا.ایران از این‌رو حائز اهمیت است که اقدامات این کشور و متحدان آن علیه امنیت داخلی ایران در طول چند دهه اخیر کشور ما را با تهدیدهای اساسی و هزینه‌های فراوان سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو کرده است. رهبر انقلاب (مدظله‌العالی) در باب مداخله آمریکا علیه ج.ا.ایران می‌فرماید:

«مردم ما می‌دانند که بسیاری از نابسامانی‌ها و کمبودها و مشکلات، به خاطر دشمنی و دخالت و خباثت دشمنان جهانی ماست...» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹).

بنابراین، کسب معرفت در ارتباط با شیوه‌ها و الگوهای مداخله دشمنان به‌خصوص آمریکا اهمیت حیاتی دارد؛

تحریم‌های اقتصادی در شدیدترین و پیچیده‌ترین شکل بی‌سابقه خود علیه ایران اعمال شده است. آن‌ها از این طریق سرمایه اجتماعی نظام را نشانه رفته‌اند. آمریکا و متحدان آن درصدد ورود مردم به معادله مقابله خود با ج.ا.ایران هستند. به تعبیر روشن‌تر، از آنجا که اقتدار دفاعی ایران راه را بر هرگونه مقابله مستقیم بسته است، آن‌ها در تلاش هستند از طریق راهبری مردم‌پایه به مقابله با ایران برخیزند. به عبارت دیگر، از طریق مهیا کردن شرایط برای ایجاد نارضایتی‌های اجتماعی به دنبال رویارویی مردم و نظام و فرسایش قدرت آن هستند.

تحریم‌های اقتصادی، حملات سایبری، نفوذ، شایعه‌پراکنی و... همه در راستای چنین هدفی از سوی آمریکا و متحدان آن علیه ج.ا.ایران به‌طور گسترده در دستورکار قرار گرفته‌اند؛ حتی موضوعی مانند خشکسالی که کاملاً طبیعی و اقلیمی است با مداخله خارجی به عاملی برای رویارویی مردم و نظام تبدیل شده است. در اهمیت موضوع همین بس که در چند سال اخیر چرخه‌های زمانی آشوب و نارضایتی اجتماعی در ایران کاهش یافته است. اگر در گذشته طی یک دهه، ایران با یک آشوب خیابانی روبه‌رو بود در دهه ۹۰، چند آشوب را در یک دهه تجربه کرده است؛ اما موضوع مهم در این زمینه نقش مداخله‌گر کشورهای خارجی به‌خصوص آمریکا و متحدان آن در شکل‌گیری چنین شرایطی علیه ج.ا.ایران است.

بلافاصله پس از انقلاب اسلامی، ابتدا سیاست قرنطینه انقلاب به رهبری آمریکا و متحدان آن علیه ج.ا.ایران در دستورکار قرار گرفت؛ سپس با فاصله اندکی از پیروزی انقلاب اسلامی با حمایت آمریکا و متحدان عربی آن طولانی‌ترین نبرد قرن بیستم از سوی عراق به ج.ا.ایران تحمیل شد. حتی فراتر از حمایت مادی، آمریکا در پایان جنگ هشت‌ساله تحمیلی عملاً به نفع عراق وارد مقابله مستقیم نظامی با ج.ا.ایران شد (قرنی، ۱۳۹۸: ۱۴).

بالا رفتن گسترده هزینه تقابل مستقیم نظامی با ایران، راهبردهای مقابله‌جویانه آمریکا را با گسست روبه‌رو کرد. ایران از فردای پایان جنگ با تکیه بر قدرت دفاعی خود عملاً موفق به ترسیم خطوط بازدارندگی در مقابل آمریکا شد. بن‌بست راهبردی ناشی از بازدارندگی سبب شد آمریکا معطوف به مقابله با ج.ا.ایران به طرق دیگری شود. به‌صورت دقیق‌تر از سال ۲۰۰۱م. در کنار تهدید به حمله نظامی و تحریم، موضوع مقابله نرم علیه ج.ا.ایران در دستورکار قرار گرفت. نقطه عطف سازکار نرم آمریکا علیه ج.ا.ایران در این دوره طرح «خاورمیانه بزرگ»^۱ بود. طرحی که هدف اساسی آن ایجاد چالش علیه امنیت داخلی ج.ا.ایران در سطوح مختلف نظامی، سیاسی، هویتی و اقتصادی بود. چنین موضوعی تا حد زیادی از قدرت مانور ایران در مقابل متحدان عربی و عبری آمریکا در خاورمیانه می‌کاست. در راستای طرح خاورمیانه بزرگ، آمریکا به همراه متحدان (عربی - عبری - غربی) خود کارزار سیاسی گسترده‌ای را در راستای اقناع افکار عمومی جهانی پیرامون این موضوع که ایران تهدیدی

علیه صلح و امنیت جهانی است، به کار بستند. اقناع، مسیر مقابله آمریکا علیه ایران را بیش‌ازپیش هموار می‌کرد؛ زیرا امنیتی کردن ایران در افکار عمومی داخلی و جهانی حتی اعمال حمله نظامی را نیز امکان‌پذیر خواهد کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۱۱).

در بعد سیاسی مهم‌ترین هدف، تضعیف و نابودی پایه‌های مشروعیت سیاسی نظام ج.ا.ایران بود. آمریکا از این زمان معطوف به این مهم شد که کارآمدترین راه برای مقابله با ایران پاره کردن حلقه پیوند آن با سرمایه اجتماعی خود است؛ زیرا ثبات‌زدایی، نامشروع‌سازی و ناکارآمد کردن و جلوه دادن حکومت در اذهان عمومی به تدریج مقدمات لازم را برای سرنگونی و جایگزین کردن آن با نظم مطلوب آمریکایی فراهم خواهد کرد (قوام، ۱۳۹۲: ۱۵-۱۶). چالش‌ها و تهدیدات امنیتی در قالب تغییر رفتار، ساختار و نظام سیاسی علیه ایران از طریق گسترش مداخله و افزایش آسیب‌پذیری‌های داخلی تحقق می‌یافت. به همین دلیل نیز حمایت گسترده از نیروها و گروه‌های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی در داخل و خارج، تلاش برای ایجاد دوگانه متضاد دولت-ملت از طریق ایجاد نارضایتی‌های اجتماعی از حکومت و تضعیف همبستگی ملی به‌طور جدی از سوی آمریکا و متحدان آن علیه ج.ا.ایران در دستورکار قرار گرفت.

در حوزه اقتصادی نیز آمریکا با تکیه بر ایجاد تهدیدات ساختاری و کارگزاری تلاش خود را برای ایجاد چالش علیه بعد اقتصادی امنیت ملی ج.ا.ایران و با تکیه بر آن برای سایر ابعاد شروع کرد. ایجاد محدودیت‌های گسترده اقتصادی، مالی و تجاری از طریق اعمال تحریم‌ها چالش‌های گسترده اقتصادی را برای ج.ا.ایران در پی داشته است (موحد، ۱۳۸۲: ۳۷۹). در این راستا، صدور کالا و خدمات، فروش نفت، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه اقتصادی و تکنولوژیک، تأمین رفاه برای مردم و دستیابی به اهدافی همانند جایگاه برتر علمی و فناوری در میان ملل اسلامی با چالش روبه‌رو شده است. به‌عنوان نمونه، در بحث فروش نفت، آمریکا به همراه متحدان خود تلاش گسترده‌ای در راستای کاهش جالب‌توجه درآمدهای نفتی ج.ا.ایران در دستورکار قرار دادند. عربستان از این زمان همگام با آمریکا تلاش کرد خلأ عدم حضور ایران در بازار نفت را جبران کند. کشورهای اروپایی

نیز به‌عنوان خریداران عمده نفت ج.ا.ایران شروع به کاهش وابستگی خود و پیدا کردن منابع نفت جایگزین شدند. این موضوع برای آمریکا و متحدان این کشور از آنجا اهمیت داشت که چنین شرایطی با تضعیف بنیه اقتصادی، امنیت ایران در سایر ابعاد را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌داد. تضعیف قدرت اقتصادی، کاهش قدرت نظامی ایران را نیز سبب می‌شد. این مهم علاوه‌بر کاهش قدرت مانور ج.ا.ایران در بازی‌های راهبردی منطقه‌ای خاورمیانه، با ایجاد چالش‌های اقتصادی باعث نارضایتی در میان مردم و به تبعیت از آن، کاهش مشروعیت حکومت می‌شد (برنان^۱، ۲۰۲۲).

در بعد هویتی و اجتماعی نیز آمریکا همگام با متحدان خود تلاش کرد با ایجاد چالش‌های امنیتی، اجتماعی و ساختاری، تهدیدات جدی برای تمامیت ملی و سرزمینی ایران خلق کند. از این‌رو اقدامات زیر به‌صورت جدی در دستورکار قرار گرفتند:

- ❖ حمایت از اقدامات تجزیه‌طلبانه گروه‌های قومی؛
 - ❖ تلاش برای ایجاد نیروی دافعه بین قطب‌های همنام سیاسی و اجتماعی؛
 - ❖ حمایت و تلاش برای ایجاد ناآرامی‌های اجتماعی (ازغندی و کافی، ۱۳۹۱: ۲۰۸).
- هدف استحاله سیاسی و هویتی انقلاب اسلامی در راستای تغییر بنیادین الگوی رفتاری آن بود. تحریم، ترور و دیپلماسی ابزارهای دستیابی به این راهبرد بودند. در راستای دستیابی به این هدف دو فاز عملیاتی از سوی آمریکا علیه ج.ا.ایران تعریف شدند.
- (۱) فاز اول؛ براندازی نرم^۲

فاز اول تحت عنوان «براندازی نرم» وارد کردن ایران بر مدار انقلاب‌های رنگی بود. فتنه سبز با حمایت همه‌جانبه آمریکا، عربستان، رژیم صهیونیستی و کشورهای اروپایی در این راستا عملیاتی شد؛ فتنه‌ای که خسارت و هزینه‌های غیرقابل جبرانی بر پیکره انقلاب اسلامی ایران وارد کرد. با وجود این، کارزار فتنه سبز به هدف و غایت خود که براندازی بود، دست نیافت و با شکست روبه‌رو شد. در میانه این فتنه، در سطح منطقه‌ای نیز آمریکا به همراه متحدان خود کارزار نیابتی فرسایشی و گسترده‌ای را با حمایت از گروه‌های تروریستی علیه ایران و

محور مقاومت آغاز کرد، موضوعی که سبب وارد شدن ج.ا.ایران به میدان مبارزه پرهزینه با گروه‌های تروریستی شد. در سال ۲۰۱۷م. با هدف ناامن سازی ج.ا.ایران، اقدامات تروریستی گروه‌های تکفیری با حمایت آمریکا و متحدان این کشور به تهران رسید.

۲) فاز دوم؛ پروژه نورمالیزاسیون

هم‌زمان فاز دوم تحت عنوان «پروژه نورمالیزاسیون» نیز علیه ج.ا.ایران فعال شده بود. پروژه نورمالیزاسیون فرایندی هشت مرحله‌ای را در راستای دستیابی به هدف خود طراحی کرده بود. برجام اولین مورد توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۵م. بود. در راستای تحمیل محدودیت‌ها به ایران، کارزار دیپلماتیک گسترده‌ای به رهبری «هیلاری کلینتون» و با همراهی عربستان، کشورهای اروپایی و رژیم صهیونیستی علیه ج.ا.ایران شروع شد. رژیم صهیونیستی در این دوره با حمایت کامل آمریکا، اقدامات خصمانه گسترده‌ای را علیه برنامه اتمی ج.ا.ایران در قالب خرابکاری، انفجار و ترور دانشمندان در پیش گرفت. سرانجام آمریکا و متحدان آن با ایجاد اجماع جهانی سبب تحمیل محدودیت‌های ناشی از برجام بر ج.ا.ایران شدند. برجام دوم ایجاد توافق حول تحمیل محدودیت بر برنامه موشکی و دفاعی ج.ا.ایران تعریف شده بود. مسائل منطقه‌ای، مسائل حقوق بشری، موضوع فلسطین، عادی سازی روابط با آل سعود، به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی و در پایان عادی سازی روابط با آمریکا، گام‌های دیگر این فرایند بودند.

اقدامات آمریکا علیه امنیت و بقای وجودی ج.ا.ایران نه تنها استمرار پیدا کرد بلکه از سال ۲۰۱۷ الی ۲۰۲۱م. روی خشن و سخت‌تری به خود گرفت. براندازی نرم در دوران ترامپ با تکیه بر کارزار فشار حداکثری در دستورکار قرار گرفت. این کارزار که مورد حمایت گسترده محور عربی- عبری- غربی بود، بانی شدیدترین و پیچیده‌ترین تحریم‌ها علیه ج.ا.ایران شد. عمق خصومت ناشی از این کارزار ایران و آمریکا را در ژانویه ۲۰۲۰م. تا آستانه تقابل مستقیم نظامی کشاند؛ اما هدف اساسی این کارزار سخت ایجاد درد و رنج فراوان و غیرقابل تحمل برای مردم و نشان دادن ج.ا.ایران به عنوان عامل این درد و رنج بود. به همین دلیل نیز بارها در میانه کارزار دونالد ترامپ، مایک پومپئو، برایان هوک، محمد بن

سلمان و بنیامین نتانیاها در پیام‌ها و سخنرانی‌های خود رهبران ج.ا.ایران را مسئول درد و رنج مردم معرفی می‌کردند، موضوعی که هماهنگ و هدفمند در راستای رویارویی مردم و حکومت در خیابان‌ها در دستورکار قرار گرفته بود. آمریکا در راستای حصر و انزوای ژئوپلیتیک ج.ا.ایران به همراه متحدان خود طرح ناتو عربی، ائتلاف دریایی خلیج فارس و صلح ابراهیم را در دستورکار قرار داد. عنادورزی آمریکا علیه ج.ا.ایران با روی کارآمدن «جو بایدن» و فعال شدن دوباره پروژه نیمه‌تمام نورمالیزاسیون همچنان استمرار پیدا کرده است (امام جمعه‌زاده، ۱۳۹۵: ۹۸).

به‌طور کلی، آمریکا و متحدان عربی-عبری-غربی آن در طول ۴۰ سال گذشته تلاش‌های گسترده و پیوسته‌ای را برای مقابله با ج.ا.ایران در قالب‌های زیر در پیش گرفته‌اند:

- ❖ تلاش برای مقابله مستقیم نظامی؛
 - ❖ تحریم‌های سیاسی و اقتصادی گسترده؛
 - ❖ براندازی و حمایت از اقدامات تجزیه‌طلبانه؛
 - ❖ ایجاد هرج‌ومرج و آشوب سیاسی؛
 - ❖ استحاله سیاسی و هویتی؛
 - ❖ تلاش برای انزوای سیاسی در جامعه بین‌الملل؛
 - ❖ جنگ نیابتی و ساماندهی گروه‌های تروریستی (قاسمی، ۱۴۰۱: ۳۵۵).
- اما موضوع مهم تمرکز آن‌ها در دو دهه اخیر بر امنیت داخلی ج.ا.ایران و ایجاد چالش‌های گسترده برای کشور ما است. دلایل این موضوع عبارت‌اند از:
- ❖ آن‌ها در سطح منطقه‌ای موفق به مهار ج.ا.ایران نشده‌اند؛
 - ❖ ج.ا.ایران با ترسیم خطوط بازدارندگی سبب خلق بن‌بست راهبردی در بازی‌های راهبردی خاورمیانه در مقابل آمریکا و متحدان آن شده است.
- برآیند این تحول از یک‌سو افزایش نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران در خاورمیانه و از سوی دیگر تمرکز آمریکا بر مقابله با ج.ا.ایران در حوزه داخلی است (گراهام^۱، ۲۰۱۵).

در حوزه داخلی آمریکا و متحدان آن با رویکردی ترکیبی ابعاد مختلف امنیت داخلی ج.ا.ایران در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی را نشانه رفته‌اند. رویکرد آمریکا در پیش گرفتن یک تهاجم تمام‌عیار در عرصه‌های مختلف علیه ج.ا.ایران با هدف به چالش کشیدن این کشور در ابعاد و زمینه‌های مختلف زیر است:

❖ در بعد اقتصادی تمرکز بر ایجاد بی‌ثباتی اقتصادی، ایجاد چالش‌ها و محدودیت‌های تکنولوژیک و حصر و انزوای اقتصادی ج.ا.ایران است؛

❖ در بعد اجتماعی آمریکا و متحدان آن به دنبال استحاله هویتی، اضمحلال سرمایه اجتماعی و استحاله آرمان‌های نظام هستند؛

❖ در حوزه سیاسی تمرکز بر لرزان کردن پایه‌های حفظ‌کننده حکومت و ساختارهای نهادی آن، خدشه‌دار کردن چهره رهبران برجسته نظام، مشروعیت‌زدایی از حکومت، سست کردن پایه‌های اقتدار و حاکمیت نظام و ایجاد چالش برای حیات ایدئولوژیک نظام است؛

❖ در بعد امنیتی نیز ایجاد چالش برای نهادهای برقرارکننده نظم و امنیت داخلی، کاهش چرخه زمانی بی‌ثباتی‌های سیاسی برای حکومت، ایجاد کانون‌های ضد امنیتی و گسترش حملات سایبری مدنظر آمریکا و متحدان است؛

❖ در حوزه دفاعی گسترش حملات در مناطق خاکستری و تلاش برای شکست بازدارندگی ج.ا.ایران توسط آمریکا و متحدان او در نظر گرفته می‌شود.

دلیل تمرکز آمریکا بر امنیت داخلی ج.ا.ایران این است که از نظر آن‌ها کارآمدترین راه برای کاهش قدرت مانور ج.ا.ایران در بازی‌های راهبردی منطقه‌ای خاورمیانه، ایجاد چالش‌های داخلی برای این کشور است؛ این موضوع با ایجاد دغدغه درونی، ج.ا.ایران را به درون معطوف خواهد کرد.

چرخش راهبردی آمریکا برای مقابله با ج.ا.ایران و تمرکز آن بر امنیت داخلی همانند نقطه عطف تقابل و رویارویی آمریکا و شوروی در جنگ سرد در طی دهه ۱۹۸۰م. است. در آن زمان آمریکا و بلوک غرب به دنبال پایان دادن به رقابت فرسایشی و دور باطل موازنه

نظامی خود با شوروی طرحی بلندپروازانه به نام «جنگ ستارگان»^۱ را مطرح کردند که هدف اساسی آن از پای درآوردن نهایی شوروی بود. این ایده به‌عنوان یک برنامه راهبردی همه‌جانبه از سوی آمریکا، کلیه نیروها و امکانات بالقوه سیاسی، اقتصادی، صنعتی، علمی و نظامی شوروی را به رقابت و مبارزه می‌طلبید. تلاش‌های آمریکا برای شبکه‌سازی ضد کمونیستی با هدایت سازمان او.پی.سی.^۲ (بخشی از سازمان سیا) به‌طور گسترده‌ای شروع به کار کرد. رهاورد نهایی این اقدام از یک سو خلق مجموعه گسترده‌ای از گرایش‌های گریز از مرکز از آسیای مرکزی تا اروپای شرقی و از سوی دیگر تأثیرگذاری بر روشنفکران و تصمیم‌گیران درونی شوروی مانند گورباچف بود. ایالات متحده به کمک این روش با شبکه‌سازی گسترده از طریق تهاجم اطلاعاتی در بخش‌های مختلف جامعه متصلب شوروی نفوذ کرده بود (غریب‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۴).

در دهه ۸۰ میلادی، آمریکا فروش تکنولوژی‌های نفتی و گازی به شوروی را تحریم نمود؛ در مرحله بعد نیز ساخت خط لوله گازی شوروی به اروپا را با موانع جدی روبه‌رو کرد. آمریکا با ایجاد فشار به متحدان خود در غرب اروپا اجازه همکاری شرکت‌های غربی در ساخت خط لوله گازی را نداد و از سوی دیگر، همکاری‌های بانکی غرب را با شوروی به شدت کاهش داد؛ طرحی که حتی سبب ممانعت از کمک متحدان این کشور مانند آلمان شرقی و لهستان به مسکو شده بود. این در حالی بود که شوروی حساب ویژه‌ای روی درآمدهای گازی خود باز کرده بود. بنابراین این کشور در تأمین منابع مالی لازم برای رقابت با آمریکا در میانه دهه ۸۰ با یک مشکل بزرگ مواجه شد (بگ‌بی، ۲۰۰۳: ۱۱).

در سال ۱۹۸۱م. آمریکا با همکاری فرانسه ضربه اساسی دیگری به شوروی زد. در این سال، ۲۰۰ افسر اطلاعاتی شوروی که در کشورهای مختلف غربی در حال جاسوسی برای این کشور بودند، شناسایی شدند. این مهم از آن جهت برای شوروی دردناک بود که این افراد نقش مهمی در انتقال فناوری به شوروی از طریق سرقت فناوری غربی داشتند.

1. Star Wars

2. O.P.C

3. Begby

در ژانویه ۱۹۸۲م. برنامه دیگری برای خراب‌کاری در درون قلمرو شوروی تدارک دیده شد. برنامه این بود که طی یک توطئه فناوری‌هایی در اختیار شوروی قرار داده شود؛ اما فناوری‌هایی که مدتی برای آن‌ها مفید است و سپس شکست می‌خورد؛ به این صورت که به اتحاد جماهیر شوروی اجازه داده شود که سیستم کنترل خطوط لوله گازی غربی را مدیریت کند؛ اما این سیستم که پمپ‌ها، توربین‌ها و دریچه‌ها را کنترل می‌کرد، پس از مدتی کار عادی باید از کار بازمی‌ماند و مقدمات ایجاد انفجار در خطوط گازی را فراهم می‌کرد. نتیجه این طرح آمریکا از هم‌گسیختگی گسترده اقتصادی، فجایع محیط‌زیستی و انفجار خطوط گازی شوروی بود، قدرتمندترین انفجارهای غیرهسته‌ای و آتش‌سوزی گسترده‌ای که تا آن زمان از فضا ثبت شده بود (مرسلی، ۱۳۹۶: ۳۸۶).

آخرین ضربه به شوروی در حوزه نظامی بود. در ۲۳ مارس ۱۹۸۳م. سنای آمریکا بودجه موردنیاز برای طرح بلندپروازانه ریگان در قالب جنگ ستارگان را به تصویب رساند. این در حالی بود که در همین زمان شوروی به دلیل صدمات ناشی از ضربات آمریکا در حوزه اقتصادی و فناوری در آستانه فروپاشی اقتصادی بود، موضوعی که موجب جا ماندن شوروی از رقابت با طرح جدید آمریکا و قطع امید از موازنه نظامی با این کشور شد. به‌طور کلی، آمریکا با وارد کردن ضربات اساسی به شوروی از درون در حوزه‌های موضوعی مختلف سرانجام این کشور را در دسامبر ۱۹۹۱م. از پای درآورد.

۲-۴. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

پس از توزیع پرسش‌نامه با بهره‌گیری از مدل STEEPV (تنظیم و توزیع پرسش‌نامه بر اساس نخبگان حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فناوری، ارزشی) در بخش‌های مورد مطالعه و تحلیل SPSS، اصلی‌ترین متغیرهای مداخله ایالات متحده در ج.ا.ایران، با توجه به نظرات نخبگان احصا گردید که به شرح ذیل در جدول (۵) نمایش داده می‌شود.

ردیف	حوزه	متغیرها
۱	اقتصادی	اقدامات تحریمی
		تحریم متحدان تجاری
۲	سیاسی	ائتلاف سازی و اجماع سازی
		تخریب سرمایه اجتماعی
۳	امنیتی	فرسایش قدرت تاکتیکی و عملیاتی ایران
		فروش تسلیحات نظامی به رقبا
۴	فرهنگی-ارزشی	جنگ ترکیبی
		دروغ پردازی و سناریوسازی و کشته‌سازی
۵	فناوری	خرابکاری سایبری
		خرابکاری در زیرساخت‌های فنی

جدول شماره ۵. اصلی‌ترین متغیرهای مداخله آمریکا در ج.ا.ایران

۴-۲-۱. تعیین حالات مختلف پیشران‌ها و ترسیم ماتریس تحلیل ساختاری

در این گام، حالات کیفی ممکن برای هر یک از پیشران‌ها مشخص شد و ماتریس متناظر با آن ترسیم گردید. بر اساس توضیحات ارائه‌شده برای هر یک از نیروهای پیشران در گام قبل می‌توان حالات ذیل را برای هر کدام از آن‌ها متصور بود.

جدول شماره ۶. ماتریس تحلیل ساختاری پیشران‌ها و حالات متناظر آن‌ها

	اقتصادی	سیاسی	امنیتی	اجتماعی	فناوری
اقدامات تحریمی	۰	۲	۱	۲	۱
تحریم متحدان تجاری	۰	۰	۱	۲	۱
ائتلاف‌سازی و اجماع‌سازی	۰	۳	۰	۳	۳
تخریب سرمایه اجتماعی	۳	۲	۰	۳	۳
اقدامات تحریمی	۰	۲	۱	۲	۱
تحریم متحدان تجاری	۰	۰	۱	۲	۱
ائتلاف‌سازی و اجماع‌سازی	۰	۳	۰	۳	۳
تخریب سرمایه اجتماعی	۳	۲	۰	۳	۳

امنیتی	فرسایش قدرت تاکتیکی و عملیاتی ایران	۰	۰	۱	۰	۲	۲	۱	۲	۱
	فروش تسلیحات نظامی به رقبا	۲	۱	۲	۳	۰	۲	۲	۱	۰
	جنگ ترکیبی	۳	۳	۳	۳	۳	۰	۲	۳	۳
	دروغ‌پردازی و سناریوسازی و گشته‌سازی	۳	۰	۳	۳	۲	۲	۰	۳	۲
	خرابکاری سایبری	۲	۱	۱	۲	۳	۳	۳	۱	۳
فرهنگی-ارزشی	خرابکاری در زیرساخت‌های فنی	۱	۱	۲	۱	۳	۱	۰	۱	۰
	فنی	۱	۱	۲	۱	۳	۱	۰	۱	۰

یکی از بخش‌های مهم روش تحلیل ساختاری، مرتبط ساختن پیشران‌ها و حالات متناظر آن‌ها با یکدیگر در نموداری به نام ماتریس تحلیل ساختاری است. سطرها و ستون‌های این ماتریس شامل پیشران‌های استحصال‌شده از گام دوم و حالات متناظر با آن‌ها از گام سوم است. در این گام بر اساس نظرات کارشناسان میزان تأثیرگذاری حالات هر یک از پیشران‌ها ارزیابی می‌شود. بنابراین به وسیله مرور ادبیات، احصای نظرات خبرگی و دیگر روش‌های تحقیق، مشخص می‌شود که حالت (الف) از پیشران یک چه تأثیری بر حالت (الف) از پیشران شماره دو دارد.

یک نکته را باید در نظر گرفت که در این گام، صرفاً تأثیرات مستقیم حائز اهمیت است و تأثیرات غیرمستقیم توسط الگوریتم پیش‌بینی‌شده خودکار محاسبه می‌شود. برای پر کردن ارائه‌های ماتریس از اولین حالت اولین پیشران شروع کرده و میزان تأثیر آن را بر حالات سایر پیشران‌ها محاسبه می‌کنیم.

تجربه نشان داده که میزان رضایت‌بخشی خانه‌های پرشده ماتریس چیزی حدود ۲۰ درصد است؛ به این معنی که رابطه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری تنها در ۲۰ مورد از خانه‌های ماتریس وجود داشته و ۸۰ درصد از نوع رابطه غیرمرتبط است. در این روش برای نشان دادن میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از طیف زیر استفاده می‌شود.

جدول شماره ۷. طیف میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری	
بدون تأثیر	0
تأثیر اندک	1
تأثیر متوسط	2
تأثیر بسیار زیاد	3

۲-۲-۴. ترسیم نمودار تأثیرگذاری-تأثیرپذیری

در این گام جایگاه همه‌ی پیشران‌ها در نمودار تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مشخص می‌شود؛ در واقع این نمودار ابزاری برای ارزیابی نقش پیشران‌ها در موضوع تحت مطالعه است. این گام را می‌توان زیربنای تدوین سناریوها دانست.

فرایند کلی ترسیم این نمودار به این نحو است که مجموع تمامی ضرایب تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از ماتریس تأثیرات متقابل محاسبه و جایگاه هر پیشران بر اساس میزان کلی تأثیرگذاری یا تأثیرپذیری مشخص می‌شود. بنابراین ضرایب تأثیر در ماتریس تأثیرات متقابل، هر پیشران دارای دو مختصات «اثرپذیری و اثرگذاری» خواهد بود که نشان‌دهنده جایگاه هر پیشران در نمودار است.

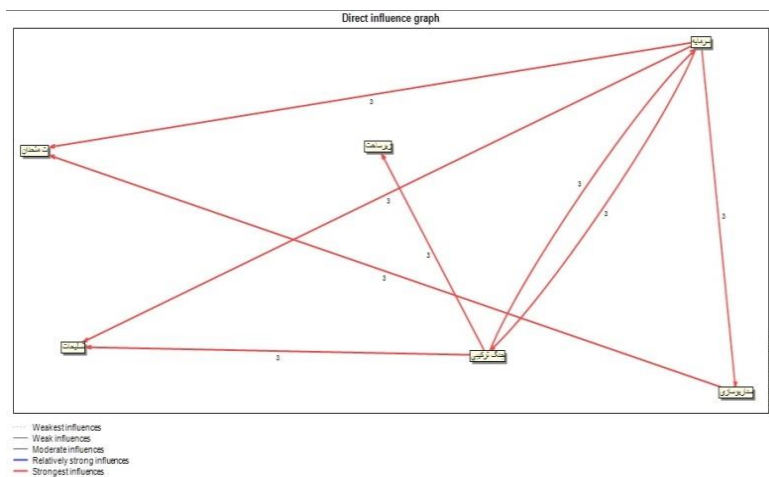
نمودار نشان‌دهنده روابط تأثیرگذاری و تأثیرپذیری دخالت ایالات متحده در ج.ا.ایران است. ضرایب تأثیر هر سطر، مختصات تأثیرگذاری پیشران و ضرایب تأثیر هر ستون، مختصات تأثیرپذیری هر پیشران را نشان می‌دهد.

البته در این پژوهش از ضرایب به‌دست‌آمده صرفاً برای مشخص کردن اصلی‌ترین متغیرها و شاخص‌های تأثیرگذار در دخالت‌های ایالات متحده در ج.ا.ایران استفاده می‌شود نه برای ترسیم سناریوها.

		1: تـ	2: تـ	3: تـ	4: تـ	5: تـ	6: تـ	7: تـ	8: تـ	9: تـ	10: تـ
►	1: تحریم	243	467	336	376	386	357	387	363	363	344
	2: متحان	138	278	198	233	230	210	222	216	216	205
	3: اتلاف سـ	211	412	301	332	343	314	334	324	324	307
	4: سرمایہ	339	664	495	513	558	531	542	527	527	510
	5: فرایش	155	317	236	239	256	247	243	241	241	238
	6: تسلیحات	131	262	193	208	217	205	209	204	204	198
	7: جنگ ترکیبی	291	600	447	504	516	489	489	489	489	462
	8: ستر یو سڑی	223	442	320	334	351	341	367	325	326	317
	9: سایبری	161	333	245	264	283	268	273	263	262	255
	10: زیر ساخت	151	310	234	236	253	249	244	237	237	233

جدول شماره ۹. خروجی جدول ییشرانها

10: زیرساخت	9: سایر	8: سربازی	7: جنگ ترکیبی	6: تسلیحات	5: فرسایش	4: سرمایه	3: ائتلاف سبز	2: ت متحان	1: تحریم	
1	2	2	3	2	2	2	1	1	0	تحریم
1	1	1	1	1	1	2	0	0	1	ت متحان
1	2	2	2	0	2	2	0	2	1	ائتلاف سبز
3	3	3	3	3	3	0	3	3	2	سرمایه
1	1	1	1	1	0	1	1	2	2	فرسایش
1	1	1	1	0	1	1	1	1	1	تسلیحات
3	3	3	0	3	3	3	3	3	0	جنگ ترکیبی
1	1	0	3	2	1	2	2	3	0	سربازی
2	0	1	1	2	2	1	1	2	1	سایر
0	1	1	1	1	1	1	2	2	1	زیرساخت



نمودار شماره ۱. خروجی جدول پشراها

با توجه به خروجی نرم‌افزار، مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در دخالت ایالات متحده در ج.ا.ایران در شکل زیر نمایش داده شده است (رنگ تیره‌تر نشان‌دهنده اهمیت بیشتر عامل است).



شکل شماره ۲. مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در دخالت ایالات متحده در ج.ا.ایران

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۵-۱. نتیجه‌گیری

تحلیل الگوی رفتاری دخالت‌های ایالات متحده در ج.ا.ایران، عمیق و چندوجهی است و به بررسی متغیرهای مختلفی که بر سیاست‌های این کشور تأثیر گذاشته‌اند، نیاز دارد.

از دهه‌های گذشته، ایالات متحده به‌عنوان یک قدرت جهانی، همواره در تلاش بوده تا منافع خود را در خاورمیانه و به‌ویژه در ج.ا.ایران تأمین کند. این دخالت‌ها از دوران پس از جنگ جهانی دوم تا به امروز با ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ادامه داشته و پیامدهای عمیقی برای هر دو کشور و حتی برای ثبات منطقه‌ای به همراه داشته است. متغیرهای سیاسی از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که در تحلیل این دخالت‌ها نقش بسزایی دارند. تغییرات سیاسی در ایالات متحده و به‌ویژه در دوران انتخابات و تغییر دولت‌ها، همواره بر رویکردهای این کشور نسبت به ج.ا.ایران تأثیر گذاشته است. به‌عنوان مثال، رویکردهای تهاجمی و تحریمی در برخی دوره‌ها جایگزین دیپلماسی‌های سازنده گردید؛ این امر به تضعیف روابط دوجانبه و افزایش بی‌اعتمادی منجر شد. این نوسانات نشان می‌دهد که سیاست‌های ایالات متحده به‌طور عمده بر اساس منافع کوتاه‌مدت و تغییرات سیاسی داخلی شکل می‌گیرد و کمتر به تاریخچه روابط و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی توجه می‌شود. آمریکا به همراه متحدان خود در غرب آسیا تمام تمرکز خود را در محیط منطقه‌ای به مقابله با ج.ا.ایران معطوف کرده است. آرمان‌های ج.ا.ایران مانند استکبارستیزی، حمایت از مستضعفان، حمایت از نهضت‌های رهایی‌بخش و مقابله جدی با زیاده‌خواهی و نظم مطلوب آمریکا باعث گردید این کشور احساس تهدید کند؛ از این رو، ج.ا.ایران همواره در چهار دهه گذشته آماج تهدید از سوی آمریکا و متحدان آن بوده است.

در این پژوهش برای ترسیم الگوی مداخله آمریکا و متحدان آن در امنیت داخلی ج.ا.ایران تلاش شد تا مبنایی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه امنیت داخلی شود و نتایج آن به اتخاذ تصمیم‌گیری مناسب در سطح کلان کشور در این حوزه کمک کند.

نوع تحقیق در این پژوهش «کاربردی- توسعه‌ای» است؛ زیرا با توجه به هدف تحقیق (شناخت الگو مداخله آمریکا و متحدان آن در امنیت داخلی در حوزه امنیت داخلی) این پژوهش می‌تواند ادبیات موضوع را در کشور توسعه دهد، از این منظر یک تحقیق توسعه‌ای محسوب شود.

پس از طی یک فرایند پژوهشی چندوجهی، «جنگ ترکیبی»^۱ به‌عنوان اصلی‌ترین متغیر تأثیرگذار دخالتهای ایالات متحده در ج.ا.ایران شناسایی شد. علاوه بر این، ابعاد مختلف الگوهای نوین ایالات متحده در برخورد با ج.ا.ایران در قالب زیر شناسایی شد:

منزوی سازی و منفور سازی در نهادهای
بین المللی به نحوی که حتی
دوستان هم نمی‌توانند و نمی‌خواهند
با ایران همکاری کنند

مشروعیت زدایی نزد نظام بین
الملل با ابزارهایی مانند حقوق بشر

الگوهای جدید آمریکا در برخورد با ایران

اجماع سازی بین المللی

امنیتی سازی و معرفی ایران به
عنوان یک تهدید

شکل شماره ۳. ابعاد مختلف الگوهای نوین ایالات متحده در برخورد با ج.ا.ایران

از نتایج مصاحبه با نخبگان، ابعاد جنگ ترکیبی آمریکا علیه ج.ا.ایران در چارچوب زیر شناسایی شد:



شکل شماره ۴. ابعاد جنگ ترکیبی آمریکا علیه ج.ا.ایران

ابعاد جنگ شناختی نیز با استفاده از آراء نخبگان که از مصاحبه‌ها احصا شد، در قالب شکل زیر ارائه گردید:



شکل شماره ۵. ابعاد جنگ شناختی

۲-۵. راهکارهای ارائه شده جهت مقابله با مداخله‌های آمریکا

بی تردید مقابله با ابعاد مختلف دخالت‌های ایالات متحده در ج.ا.ایران که امروزه در قالب

جنگ ترکیبی دنبال می‌شود، نیازمند امور زیر است:

❖ اهتمام جدی دستگاه‌های مختلف کشور؛

❖ توجه به رویکرد علمی و اهمیت به پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه؛

❖ هماهنگی کامل میان دستگاه‌ها.

از این رو باید موارد زیر لحاظ نمود:

❖ تأکید چندباره رهبر معظم انقلاب درباره لزوم آمادگی در برابر جنگ ترکیبی، ضرورت

توجه به این مقوله را افزایش داده است. بر این مبنا لزوم تدبیراندیشی در مورد جنگ

ترکیبی به عنوان یکی از رایج‌ترین راهبردهای جنگی در عصر حاضر در سلسله‌مراتب

سیاست‌گذاری دفاعی کشور از اهمیت زیادی برخوردار است.

❖ جنگ ترکیبی در جبهه مقاومت (عراق، سوریه، یمن) در حال اجرا است، چهار سناریوی

«جنگ فرسایشی، جنگ خارج از واپایش (کنترل) و سپس در واپایش محدود، جنگ

بی‌قاعده و سیال، جنگ واپایش از راه دور و نزدیک» برای جنگ‌های ترکیبی بیان شده

است. با توجه به این سناریوها، الگوی جنگ آینده علیه ج.ا.ایران «دومینویی» پیش‌بینی شده که روش مقابله با آن «جنگ مقاومت» است.

❖ در جنگ ترکیبی مانند جنگ فیزیکی ابتدا باید طرح، نقشه دشمن و نقاط هدف دشمن به خوبی شناخته شود و سپس با روش‌های تبیینی به میدان جنگ ترکیبی وارد شد.

❖ با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، پیشنهاد می‌گردد نتایج این تحقیق جهت بهره‌برداری در اختیار مراکز تصمیم‌گیری کشور قرار گیرد.

❖ ستاد ملی جنگ نرم تشکیل گردد و جلسات هماهنگی آن‌ها نه به‌صورت موردی و در شرایط بحران بلکه به‌صورت ماهانه برای مشورت برگزار شود؛

❖ با توجه به اینکه تهدیدات این حوزه پویا بوده و دائماً در حال تغییر است، باید به‌طور مستمر این تهدیدات مورد رصد و پایش قرار گرفته و بر اساس تهدیدات جدید، راهبردها و الگوها مورد بازنگری قرار گیرند.

❖ بروزرسانی و تحول در ساختار و تکالیف شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی و لزوم نوآوری و خلاقیت در مواجهه با مسائل و اقتضائات کنونی کشور مورد توجه قرار گیرد.

❖ تشکیل «قرارگاه مرکزی هماهنگی رسانه‌ای کشور» در جهت اتخاذ برنامه‌های هماهنگ و پیش‌دستانه در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... در جنگ رسانه‌ای دشمن.

❖ برای پیاده‌سازی موارد مندرج در الگو، برنامه‌های اجرایی عملیاتی در قالب طرح پروژه و فعالیت‌های اجرایی مشخص و با زمان‌بندی تدوین و اجرا شوند.

❖ یکی از مهم‌ترین عوامل در جنگ ترکیبی، غافل‌گیری است؛ بنابراین تمامی دستگاه‌ها باید با هوشیاری کامل، برنامه‌هایی را برای جلوگیری از این موضوع تدوین نمایند.

❖ سواد رسانه برای مسئولان و افراد تأثیرگذار در جامعه چند برابر افراد عادی جامعه اهمیت دارد. اگر یک فرد اثرگذار با سواد رسانه‌ای آشنا نباشد، می‌تواند در جنگ ترکیبی به مهره‌ای ارزشمند برای دشمن تبدیل شود. بنابراین توسعه سواد رسانه‌ای در کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

❖ در حوزه تقویت سرمایه اجتماعی، باید گفت با اینکه در سال‌های اخیر پژوهش‌های جالب‌توجهی در زمینه سرمایه اجتماعی در ج.ا.ایران انجام شده است، کماکان آمار دقیقی از وضعیت شاخص‌های مربوط به سرمایه اجتماعی کشور وجود نداشته یا در دسترس محققان قرار نگرفته است. بنابراین در وهله اول باید پژوهشی جامع در این حوزه تعریف شود.

منابع

الف - فارسی

- احمدی‌نژاد، حمید؛ ذوالفقاری، مهدی (۱۴۰۲). «استراتژی چهار دهه تقابل آمریکا با جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی ج.ا.ایران، ۷(۴)، ۳۴-۹.
- ازغندی، علیرضا؛ مجید، کافی (۱۳۹۱). «بررسی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه نظریه سازه‌نگاری»، فصلنامه علوم سیاسی، ۸(۲۱)، ۲۰۵-۲۳۱.
- امام‌جمعه‌زاده، سید جواد؛ بابایی، مجتبی (۱۳۹۵). «نقش اتاق‌های فکر در اعمال تحریم‌های هسته‌ای آمریکا علیه ایران»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۸(۳۲)، ۹۱-۱۱۴.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸). «امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، ۱(۱)، ۴۱-۷۶.
- ضرغامی، ابراهیم؛ ایزدی، محمد (۱۴۰۲). «مقایسه تحلیلی راهبرد نظامی آمریکا در دوران ترامپ و بایدن در رابطه با جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی ج.ا.ایران، ۷(۳)، ۹-۴۲.
- غریب‌آبادی، کاظم (۱۳۸۷). برنامه هسته‌ای ایران: واقعیت‌های اساسی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- قاسمی، فرهاد (۱۴۰۱). «گامی به‌سوی الگوی نظری نظم پراکنشی - شاخه‌ای در سیاست بین‌الملل نوین»، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۱۸(۱)، ۲۸۹-۳۱۴.
- قرنی، رضا (۱۳۹۸). «نفوذ و استحاله»، نشریه مکاتبه و اندیشه، شماره ۴۷.
- قوام، سیدعبدالعلی؛ نجفی‌سیار، رحمان (۱۳۹۲). «ارتقای مفهوم مداخله بشردوستانه در بستر نظریه‌های روابط بین‌الملل (با تأکید بر مکتب انگلیسی)»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۶(۲۴)، ۳۷-۶۰.
- کالینز، الن (۱۴۰۰). مطالعات امنیتی معاصر، ترجمه علیرضا ثمودی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- مرسلی، فاطمه (۱۳۹۵). *کانون‌های فکری استکبار (معرفی و بررسی عملکردهای بنیادهای جنگ نرم)*، تهران: اسرار قلم.
- مشیرزاده حمیرا؛ جعفری هرمز (۱۳۹۱). «قدرت هژمون و دولت‌های انقلابی: مطالعه موردی امریکا و جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه روابط خارجی*، ۴(۱)، ۷۷-۴۷.
- موحد، محمدعلی (۱۳۸۲). *خواب آشفته نفت*، تهران: نشر کارنامه.

ب- انگلیسی

- Begby, E. (2003). Liberty, Statehood and Sovereignty: Walzer on Mill on Non-Intervention. *Journal of Military Ethics*, 2(1), 46-62
- Brennan, D. (2022). John Bolton Blasts Joe Biden's Hollow Iran Threat, Nuclear Deal is Religious Pursuit. Retrieved August 1, 2022, from Newsweek: <https://www.newsweek.com/john-bolton-blasts-joe-biden-hollow-iran-threat-nuclear-deal-jcpoa-religious-pursuit-1676785>
- Choi, S.-W., & James, P. (2014). Why Does the United States Intervene Abroad? Democracy, Human Rights Violations, and Terrorism. *Journal of Conflict Resolution*, 60(5), 899-926.
- Fukuyama, F. (2006). *The End of History and the Last Man*. Free Press.
- Gasiorowski, M. (1991). The 1953 coup d'état in Iran. *Comparative Politics*, 24(3), 331-350.
- Graham, L. (2015). Press – Release – Mic: Lindsey Graham Slams Iran Nuclear Deal, Saying It “Empowers the Oppressors”. Retrieved June 12, 2022, from
- Gramsci, A. (1971). *Selections from the Prison Notebooks*. International Publishers.
- Hehir, J. B. (1994). Intervention: From Theories to Cases. Retrieved June 6, 2022, from Thirteenth annual Morgenthau, Memorial Lecture on Ethics and Foreign Policy: <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/j.1747-7093.1995.tb00168.x>.
- Keohane, R. O. & Nye, J. S. (2001). *Power and Interdependence*. Longman.
- Krauthammer, C. (1990). The unipolar moment. *Foreign Affairs*, 70(1), 23-33.

- Mearsheimer, J. J. (2001). *The Tragedy of Great Power Politics*. W. W. Norton & Company.
- Pape, R. A. (1997). Why economic sanctions do not work. *International Security*, 22(2), 90-136.
- Sagan, S. D. (1996). Why do states seek nuclear weapons? *Security Studies*, 5(3), 59-90.
- U.S. Congress. (1996). *D'Amato-Kennedy Act (Public Law 104-208)*. Washington, DC: Government Printing Office.
- Walker, T. C. (2009). *Liberal Internationalism and Intervention: An Early Transatlantic Dialogue between Thomas Paine and Immanuel Kant*. Retrieved June 3, 2022, from https://www.gvsu.edu/cms4/asset/54A33349-DDB5-9122-52D039391EF8BB6C/liberal_intervention_10.pdf.